

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين بارئ الخلائق اجمعين، ثم الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و
على آله الطاهرين، لاسيما بقيه الله في الارضين ارواحنا فداه

[فقه معاصر / «بیمه» / جلسه ۲۵ (۸/۳/۱۴۰۳) استاد حسین بنیادی]

عنوان بحث: بیمه – شبهه ربا در برخی انواع بیمه

موضوع بحث امروز: ادامه مساله نهم – نقد و بررسی شبهات اصلی درباره بیمه

مقدمه: در جلسه گذشته شبهه‌ی ربا بودن «اضافه» در بیمه عمر را عرض کردیم و نظر امام خمینی
قدس سره الشریف مبنی بر عدم شبهه ربا در اضافه بر تعهد بیمه را تقویت کردیم اما شبهه‌ای – که برخی از آنها
را در مباحث اولیه بیان کردیم و پاسخ دادیم – بعلاوه شبهه‌ای که اختصاص به ربا در بیمه عمر بیان شده، همچنان
باقی است. در بحث امروز دو گروه از شبهات را عرض می‌کنیم؛ گروه اول، شبهات عام هستند که به اصل بیمه
رجوع دارد و گروه دوم از شبهات، شبهه‌ای هستند که اختصاص به بیمه عمر دارند را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

برخی اشکالات (شبهات عام) درباره بیمه

۱. اولین شبهه‌ای که در مورد عقد بیمه وجود دارد، وجود شبهه‌ی غرر است. به چه معناست؟ غرر در لغت به
معنای خطر و فریب آمده است و در روایات نیز در مواردی که مجهولیتی در یکی از عوضین وجود دارد استفاده
شده است. بر همین اساس می‌گویند عقد بیمه از این جهت که اصل وقوع حادثه و میزان خسارت وارده مشخص
نیست و هم‌ا‌ش احتمالی است، لذا اصل معامله دارای مجهولیت است. وقتی معامله‌ای دارای مجهولیت شد
غرری می‌شود و غرری هم بشود معامله باطل خواهد بود. البته به شرطی که غرر را اعم از بیع بدانیم چون
روایت می‌فرماید: نهی عن النبی عن بیع الغرر یا. و در این روایت غرر را فقط در بیع مطرح کردند ولی فقها
این را اعم از بیع می‌دانند.

جواب: جواب این اشکال را سابقا بیان کردیم که عوضین در عقد بیمه از یک طرف آن پولی است که بیمه گذار پرداخت می کند و آن تامین و اطمینان خاطری است که شرکت بیمه به بیمه گذار اعطا می کند. و این تامین و اطمینان بخشی یک چیزی هست که هیچ مجهولیتی در آن نیست و واضح و روشن است و از این جهت غرری وجود ندارد. از آن طرف نیز محدوده‌ی جبران خسارت نیز روشن است و سقف و چارچوب‌هایش مشخص است و لذا از این جهت نیز غرری نیست.

۲. شبهه‌ی دیگری که مطرح کرده‌اند این است که شبهه‌ی اکل مال به باطل وجود دارد. چرا؟ چون می گویند شرکت بیمه یک مبالغی را دریافت می کند که ممکن است هیچ وقت، هیچ خسارتی اتفاق نیفتد و هیچ پرداختی هم نسبت به آن شخص انجام ندهد و این باعث بشود که پولی که دریافت می کند در مقابل هیچ باشد. یعنی هیچ کاری را انجام نداده است و یک پولی را دارد دریافت می کند و این یک جور اکل مال به باطل است.

جواب: این اشکال را هم پاسخ دادیم که آن چیزی که بیمه گذار دریافت می کند لزوما جبران خسارت نیست بلکه آن اطمینان خاطر هست که دریافت می کند و این اطمینان خاطر را واقعا دریافت کرده است. و از آن طرف ما وقتی نگاه می کنیم به سیره عقلا و اینکه عقلا حاضرند در مقابل این جبران خسارتی که اتفاق می افتد و تامینی که دریافت می کنند؛ پول پرداخت کنند، این نشان می دهد که این عقد، اکل مال به باطل نیست.

۳. شبهه‌ی دیگری که مطرح شده است بحث قماری بودن عقد بیمه است. چرا؟ چون برای بیمه گذار که پرداخت‌ها را انجام می دهد دو حالت وجود دارد: یا حادثه‌ای برایش پیش نمی آید و این پول‌ها به جیب شرکت بیمه می رود و یا اینکه حادثه‌ای برای او پیش می آید و شرکت بیمه بیش از آن مقداری که بیمه گذار پرداخت کرده را به عنوان جبران خسارت به او برمی گرداند. در این نگاه یا بیمه گدا ضرر می کند و اتفاقی برای او نمی افتد و این پول از جیب او می رود و یا اینکه اتفاقی برای او می افتد و پولی را دریافت می کند و در این قضیه سود می کند و این یک جور قمار است.

جواب: در پاسخ به این اشکال هم گفته شده که انجام هر عملی که همراه با احتمال است، قمار نیست، بسیاری از معاملات صحیح صورت احتمال در آن وجود دارد، شما وقتی که می خواهید تجارت کنید، یک کالایی را از

اینجا می‌خرید تا ببرید و در جایی بفروشید. ممکن است خریدار پیدا نشود و آن را زیر قیمت بفروشید و ضرر کنید؛ پس در عقد بیع هم ما این احتمال را داریم. در مشارکت نیز این احتمال وجود دارد. اینکه لزوماً وارد شدن در معاملاتی که دارای احتمالات است به معنای قمار باشد، ما این را قبول نداریم.

ثانیا بیمه‌گذار در صورت بروز خسارت سود نمی‌کند بلکه ضررش جبران می‌شود. و نکته‌ی بعدی این است که همینطور که بحث شد عوضین در عقد بیمه عبارت است از پرداخت‌هایی که بیمه‌گذار انجام می‌دهد و اطمینان‌خاطری است که شرکت بیمه به آن اعطا می‌کند و این ماهیت قمار ندارد و واقعا دارد این تبادل اتفاق می‌افتد.

۴. برخی نیز می‌گویند شبهه معلق بودن عقد بیمه وجود دارد، به این معنا که در عقد بیمه پرداخت خسارت معلق شده به وقوع خسارت، وقتی عقد معلق شد؛ باطل است.

جواب: پاسخ به این اشکال هم واضح است، چون تعلیقی که در اینجا اتفاق افتاده است تعلیق اثر عقد است نه تعلیق نفس عقد. خود عقد معلق نیست؛ خود عقد منعقد شده است. مثل اینکه من با یک نفر عقد وکالت منعقد می‌کنم و می‌گویم اگر پدرم از سفر آمد خانه‌ی مرا بفروش. آیا خانه‌ی مرا بفروش؛ اگر پدرم آمد یعنی اینکه این عقد وکالت متزلزل است، معلق است؟ نه؛ عقد وکالت معلق نیست بلکه اثر عقد وکالت معلق به یک چیزی شده است. پس آن چیزی که اشکال ایجاد می‌کند این است که خود عقد معلق باشد.

برخی اشکالات (شبّهات خاص) درباره بیمه عمر

در مورد بیمه‌ی عمر، علاوه بر اشکالاتی که بر بیمه‌های جبران خسارت مطرح بود دو اشکال دیگر نیز مطرح شده است.

۱. اشکال اول این است که می‌گویند بیمه‌ی عمر عقد سفهی است. به این معنا که فرد حق بیمه را به صورت دوره‌ای پرداخت می‌کند؛ اما اگر فرد بمیرد؛ پول را به ورثه‌ی فرد می‌دهند. این یک عقد سفهی است که من دارم پول پرداخت می‌کنم که شرکت بیمه آن پول را پرداخت کند به نفرات دیگر و هیچ سودی برای من ندارد و این یک جور عقد سفهی است.

جواب: پاسخ داده‌اند که عقلاً وقتی وارد این عقد می‌شوند؛ این خودش نشان می‌دهد که این عقد سفهی نیست، بالاخره اگر به خود من چیزی نرسد و به فرزندانم چیزی برسد؛ این خودش فایده‌ای برای من است. (این اشکال، اشکال محکمی نیست)

۲. مهم‌ترین اشکالی که برای بیمه‌ی عمر مطرح است، وجود شبهه‌ی ربا در عقد بیمه‌ی عمر است؛ به این معنا که در بیمه‌ی عمر آن کسی که (بیمه‌گذار) مبالغی پرداخت می‌کند لزوماً با آن مقداری که شرکت بیمه به وی می‌خواهد بپردازد؛ مساوی نیست! لذا اینجا شبهه ربا مطرح می‌شود که من دارم پولی را پرداخت می‌کنم و درقبال آن؛ مبلغی بیش از آن یا کمتر از آن را دریافت می‌کنم.

جواب: برخی‌ها در جواب گفته‌اند تحقق ربای قرضی فقط در عقد قرض است و اینجا چون عقد پایه، عقد قرض نیست اصلاً ماهیت ربا نیست؛ ولو اینکه مبالغ با هم متفاوت باشد.

اشکال به جواب: برخی دیگر در ردّ به این جواب گفته‌اند در اینجا ربوی بودن را نمی‌شود محدود در عقد قرض کرد. یک‌سری روایات هم در این زمینه داریم که نشان می‌دهد مسئله ربا منحصر در عقد قرض نیست و یک مقدار گسترده‌تر است، بر این اساس واقعا به نظر می‌رسد که عقد بیمه‌ی عمر را نمی‌شود با معیارهای شرعی منطبق دانست و مسئله‌ی ربا را نمی‌شود در این عقد حل کرد.

البته اگر بخواهیم از دیدگاه‌هایی که به طور معمول در مورد معاملات جدید ذکر می‌شود پا را فراتر بگذاریم، آن چیزی که به نظر می‌رسد مسئله‌ی تامین - به معنای اینکه ما بیاییم جبران خسارت کنیم - را نباید به عنوان یک شغل و یا یک راه کسب درآمد نگاه کرد و یک امر انتفاعی در نظر گرفت و بعد هم گفته‌اند بیمه عمر باید در اختیار دولت‌ها باشد و دولت‌ها از همان مالیاتی که می‌گیرند، ببینند و این بحث‌های تامین اجتماعی یعنی بیمه اجتماعی را ایجاد کنند. به نظر می‌رسد که در روایات برخی شواهد در اثبات این قضیه وجود دارد که جای کار دارد.

استدلال به آیات ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء بر عمومیت حرمت ربا در معاملات

«فَبَطَّلْنَا مَنْ أَلْدَيْنَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا - وَأَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكَلَهُمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء - آیات ۱۶۰ و ۱۶۱)

پس به کیفر ستمی که یهودیان [به آیات خدا و بر خود و دیگران] روا داشتند، و به سزای آنکه بسیاری از مردم را از راه خدا بازداشتند، چیزهای پاکیزه ای را که بر آنان حلال شده بود [مانند صید ماهی و خوردن چربی و شیر و گوشت حیوانات] حرام کردیم و به سبب ربا گرفتنشان، با آنکه از آن نهی شده بودند و به ناروا مال مردم خوردنشان و ما برای کافران آنان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم.

دلالت آیه بواسطه «أَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكَلَهُمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» بر عمومیت حرمت ربا تحت هر عنوانی دارد و موید آن اکل مال به باطل بودن است که به طرق مختلف و بر حسب موارد گوناگون قابل تحقق است؛ پس اکل مال به باطل بواسطه ربا امری محرم است و محدود به ربای قرضی یا ربای معاملی نمی‌شود.

استدلال به روایاتی که بر عمومیت حرمت ربا در معاملات دارد

مرحوم حر عاملی در کتاب «وسائل الشیعة» جلد ۱۸ از صفحه ۱۱۸ «چند طایفه از روایات را نقل می‌کنند که مضمون و دلالت آنها بر حرمت مطلق ربا است نه اینکه اختصاص داشته باشد در ربا قرضی و معاملی؛ ما چند روایت را که دلالت آنها اطلاق دارد بویژه آنکه علت و حکمت ربا به صورت عام بیان شده است را عرض می‌کنیم تا آنچه که به نظر می‌رسد یعنی ربوی بودن اضافه در بیمه عمر را بیشتر بررسی کرده باشیم.

حدیث اول: محمد بن یعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «درهم ربا عند الله أشد من سبعين زنية كلها بذات محرم»

حديث دوم: وعنهم، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن أبي جميلة، عن سعد بن طريف، عن أبي جعفر عليه السلام قال: «أخبث المكاسب كسب الربا»

حديث سوم: وعنهم، عن أحمد بن أبي عبدالله، عن عثمان بن عيسى، عن سماعة قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: انى رأيت الله تعالى قد ذكر الربا فى غير آية وكرره، قال: «أو تدرى لم ذاك؟ قلت: لا، قال: لئلا يمتنع الناس من اصطناع المعروف»

حديث چهارم: وعن على بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن سالم، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «انما حرم الله عز وجل الربا لكيلا يمتنع الناس من اصطناع المعروف»

حديث پنجم: وبإسناده عن الحسين بن سعيد، عن حماد بن عيسى، عن الحسين بن المختار، عن أبي بصير، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: درهم ربا أشد من ثلاثين زنية كلها بذات محرم مثل عمه وخاله

حديث ششم: وعنه، عن صفوان، عن سعيد بن يسار قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: درهم واحد ربا أعظم من عشرين زنية كلها بذات محرم

حديث هفتم: وعنه، عن عثمان بن عيسى، عن زرارة، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قلت له: إنى سمعت الله يقول: [يحق الله الربا ويربى الصدقات] وقد أرى من يأكل الربا يربو ماله، فقال: أى محق أمحق من درهم ربا يحق الدين، وإن تاب منه ذهب ماله وافتقر.

حديث هشتم: محمد بن علي بن الحسين بإسناده عن هشام بن الحكم أنه سأل أبا عبد الله عليه السلام عن علة تحريم الربا؟ فقال: «انه لو كان الربا حلالا لترك الناس التجارات وما يحتاجون إليه ، فحرم الله الربا لتنفّر الناس من الحرام إلى الحلال وإلى التجارات من البيع والشراء ، فيبقى ذلك بينهم في القرض»

حديث نهم: وبإسناده عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إنما حرم الله الربا كيلا يمتنعوا من صنائع المعروف»

حديث دهم: وبإسناده عن محمد بن عطية، عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: «إنما حرم الله عزّ وجلّ الربا لثلا يذهب المعروف»

حديث يازدهم: وبإسناده عن محمد بن سنان ان علي بن موسى الرضا عليه السلام كتب إليه فيما كتب من جواب مسائله: «وعلة تحريم الربا لما نهى الله عزّ وجلّ عنه، ولما فيه من فساد الاموال، لان الانسان إذا اشترى الدرهم بالدرهمين، كان ثمن الدرهم درهما وثمان الآخر باطلا، فبيع الربا وشراؤه وكس على كل حال، على المشتري وعلى البائع، فحرم الله عزّ وجلّ على العباد الربا لعله فساد الاموال، كما حظر على السفية أن يدفع إليه ماله، لما يتخوف عليه من فساده حتى يؤنس منه رشد، فلهذه العلة حرم الله عزّ وجلّ الربا، وبيع الدرهم بالدرهمين، وعلة تحريم الربا بعد البينة لما فيه من الاستخفاف بالحرام المحرم، وهي كبيرة بعد البيان وتحريم الله عزّ وجلّ لها، لم يكن إلا استخفافا منه بالمحرم الحرام، والاستخفاف بذلك دخول في الكفر، وعلة تحريم الربا بالنسيئة لعله ذهاب المعروف، وتلف الاموال، ورغبة الناس في الربح، وتركهم القرض، والقرض صنائع المعروف، ولما في ذلك من الفساد و الظلم وفناء الاموال»

حديث دوازدهم: قال: وفي معاني الاخبار عن أحمد بن الحسن القطان، عن أحمد بن يحيى بن زكريا، عن بكر بن عبد الله بن حبيب، عن تميم بن بهلول، عن أبيه، عن عبد الله بن الفضل الهاشمي قال أبو عبد الله ع: «ومن ألفاظ رسول الله صلى الله عليه وآله الموجزة التي لم يسبق إليها: شر المكاسب كسب الربا»

نتیجه بحث در زیاده در بیمه عمر

نتیجه بحث را با یک مقدمه که مربوط به قتضای مناسبت حکم و موضوع عرض می‌کنیم:

گاهی ارتکاز در عدم فرق موجود است، مثل آن که شارع بگوید: «در روز جمعه وقت ندا برای نماز، بیع نکن»، زیرا مناسبات حکم و موضوع، اقتضا دارد که نهی مزبور، به دلیل منصرف کردن مکلف از عبادت و نماز باشد، بدون آن که میان اجرای صیغه بیع با صلح فرقی باشد. از این رو به صیغه صلح تسری و تعدی می‌کند، مانند وقتی که شارع از بیع مال غیر، نهی کند، که می‌تواند به هبه یا صلح بر مال غیر و مانند آن تعدی کند، زیرا علت نهی، حرمت تصرف مال غیر و حرمت در اختیار گرفتن مال غیر است، بدون آن که فرقی بین این معامله با معامله دیگر باشد یا مانند این مثال است که اگر از حکم ظرف آبی که جلو درب مسجد قرار دارد و میته در آن افتاده است، سؤال شود و حضرت بفرماید: «آن را بریز» طبعاً به قیود موجود در آن مورد خاص، چشم نمی‌دوزند (که آب باید در ظرف خاصی باشد و یا جلو در مسجد گذارده شده باشد). تعمیم و تضییق (گسترش حکم و عدم آن) به واسطه ارتکاز، در موارد بسیاری کار فقهاست، اما گاهی اوقات و به خاطر آشکار بودن ارتکاز، غفلت می‌شود که این ظهور از ارتکاز ایجاد شده، و گمان می‌شود که از حاق لفظ از ابتدا ظاهر شده است.

با حفظ این مقدمه عرض می‌شود که ما قبول داریم در بیمه عمر به شرط اضافه از قبیل قرض ربوی نیست، اما آنچه که مهم است - با توجه به عموم روایاتی که نص در حرمت ربا دارد - امکان تحقق ربا محرم در عقود مستحدثه مانند بیمه وجود دارد، چنانکه در بحث قراردادهای بانکی کثرت معاملات و قراردادهای ربوی مشاهده می‌شود. بنابراین نمی‌توان ربا یا شبهه ربا را فقط در قرض تصور و فرض کرد، خصوصاً با توجه به علل و حکمی که در روایات ذکر شده.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین